



پاینده ایران

سخنرانی سرور مهندس کرمانی - نشست اهواز حزب پان ایرانیست به تاریخ ۴ آبان ۱۳۸۶

سپاسگذارم از سروران و دوستانی که تشریف آوردند و به ما این سعادت را دادند که در خدمت ایشان باشیم. مانند ۵۰، ۶۰ سال گذشته دوباره راجع به ملت ایران صحبت کنیم، درباره حق ملت ایران، درباره حکومت های ایران و درباره آن چیزی که ما پان ایرانیست ها می خواهیم و بیش از ۶۰ سال است که به دنبال آن هستیم مطالبی را با شما در میان بگذارم. در ابتدا که وارد شدم یاد بیش از چهل سال پیش افتادم که در همین شهر اهواز در خدمت دوستانی بودم همه این دوتان اکنون گرد پیری بر چهره شان نشسته است و من را به آن زمانهایی برد که در سال ۱۳۴۱ برای نخستین بار وارد خوزستان، شهر اهواز شهر گچساران شدم و برای بیست سال مسئولیت حزب پان ایرانیست را در خوزستان و بویژه شهر اهواز بر عهده گرفتم. پیش از آن هم تلاشهایم را در کهگیلویه بویر احمد انجام میدادم. این را می گویم که بدانید خستگی ناپذیر و با تمام وجود هفتاد و اندی از عمرمان را در راه ایران گذراندیم و باقی را هم در این راه صرف خواهیم کرد. مطالبی را که سرور میرانی فرمودند من سخنانم را در چاچوبی که مورد نظر ایشان بود محدود می کنم. شما سرآغاز را در ابتدا خوانده شد گوش دادید و دیدید که پان ایرانیست ها بیش از ۶۰ سال است که در تمام نشست های رسمی شان اول این سرآغاز را می خوانند و با خدای خویش پیمان می بندند که هیچ گاه مصالح ملت ایران را زیر پا نگذارند و همیشه در راه بزرگی و سرافرازی ایران که به اعتقاد پان ایرانیست ها ایران سرافراز می تواند سرافرازی جهان را در پی داشته باشد، همانطور که در درازای تاریخ، ایران بسیار چیزها به کشورهای بزرگ جهان و دنیا داده است مطمئناً پس از این هم ایرانی ها و ملت ایران این قدرت را دارند که این بزرگی ها را از چارچوب مرزهای خود خارج کرده و به تمام جهان صادر کنند. به هر حال ما پان ایرانیست ها چه می گوئیم، چه می خواهیم، برای چه دور هم جمع شده ایم، برای چه با حکومت در افتاده ایم؟ برای چه با نظام پادشاهی در افتادیم، برای چه با نظام جمهوری در می افتیم، چه چیز را می خواهیم جایگزین کنیم؟ چه هدفی را دنبال می کنیم. این پرسش را باید واضح و روشن بیان کنیم. هر ایرانی حق دارد نظراتش را در هر جایی و به هر صورتی که صلاح می داند بیان کند. دشمنان هم این حق را باید داشته باشند که بتوانند از امکاناتشان استفاده کنند، ما را محکوم کنند، با ما جدل کنند، و به ما ثابت کنند که کدام قسمت از نظریاتمان غلط یا نادرست است یا کجای احیاناً به نفع مصالح ملی ما نیست. پس این حق بیان را ما داریم همانطور که این حق بیان را به مخالفان خود می دهیم که آنچه را ما می گوئیم مورد ارزیابی و بررسی قرار دهند.

جهان امروز دوراه را به طور مجزا و در کنار هم طی می کند. همه دوستان می دانند یک سیاست هایی در جهان در جهت تجزیه و پراکندگی ایجاد کشورهای کوچک و تجزیه کشور ها قدم بر می دارد و این جهان استعمارگر است که از ضعف کشورهای کوچک می تواند استفاده کند و قدرت خود را در سراسر جهان گسترش بدهد. شما ببینید در اروپا چه اتفاقی افتاد؟ کشور یوگسلاوی از هم پاشید و از دل این کشور دست کم ۱۰ کشور بیرون آمد. "کراوایی، مقدونیه، صربستان، مونته نگرو و اخیراً کوزوو! هفت هشت کشور از دل آن خارج شده و می شوند. اکنون می خواهند یکی از آنها را هم که ۲ میلیون جمعیت

دارد، جدا کنند. شاید مردم آن منطقه خوشحال باشند، هم زبانند، حرف همدیگر را بهتر متوجه می شوند، همشهری هستند دور همدیگر هستند، حکومت مستقل دارند، صاحب رای در سازمان ملل هم می شوند. شاید برای آنها خیلی هم افتخار آمیز باشد که چنین اتفاقی می افتد. بنابراین یک سری از کشورها که اتحادیه اروپا و آمریکا جزو آنها هستند جهان را به سوی ایجاد کشورهای کوچکتر و کم قدرت هدایت می کنند. امارت متحده عربی در همسایگی ماست حداکثر ۲ میلیون جمعیت دارد فکر کنید این کشور چی می شود و چه خطری برای آمریکا ایجاد می کند؟...هیچ

بنابر این اگر ۱۰۰ کشور مانند امارات متحده عربی درست شود، مثل بحرین درست شود، مثل کویت درست شود، مثل قطر درست شود، مثل ابوظبی، حتا مثل عربستان درست شود برای این کشورهایی که می خواهند در همه جای دنیا منافع خودشان را تامین کنند هیچ خطری محسوب نمی شوند بنابراین سیاست آنها، منافع ملی، استعماگرانه و استثمارگرانه آنها در این است که این کشورها را کوچک تر کنند.

حالا در ایران هم شروع می شود؛ می گویند: در خوزستان یک عده هموطن ما هستند که زبانشان هم با ما فرق دارد(درست است ما هم قبول داریم که این اتفاق افتاده و در میهن ما هست)؛ حالا اینها جدا شوند! بسیار خوب؛ در بلوچستان هم بلوچی ها که کمی زبانشان با بقیه مردم ایران از نظر محلی تفاوت هایی دارد این هم یک کشور بشود!! خوب؛ ترکمن ها هم هستند ترکمنی صحبت می کنند از نظر مذهبی اهل تسنن هستند خوب این ها هم یک کشور دیگر شوند!!! آذربایجانی ها ایرانی اند آریایی اند فرهنگشان با ایران مشترک است ولی بالاخره زبانشان ترکی شده و تفاوتی با بقیه در جاهایی دارند این هم یک کشور جدا بشود!!! کویر لوت را هم به من بدهند و بگویند خوب این هم برای فارس ها!!!! این قوم فارس از کجا آمده و در کجای تاریخ دیده شد من خبر ندارم. ما یک استان به نام استان فارس داریم و یک شهر شیراز که مرکز این استان فارس است. در آنجا قشقایی ها را می شناسیم، هموطنان خوب ما به زبان ترکی صحبت می کنند هیچ مشکلی هم ما با آنها نداریم. در آذربایجان هم به زبان ترکی صحبت می کنند ولی قوم فارس از کجا آمده، فارس و عرب از کجا آمده، فارس و کرد از کجا آمده است من نمی دانم. حالا لر بختیاری را فارس حساب می کنند یا غیر فارس حساب می کنند؟ تفاوت زبان گیلکی هم به اندازه زبان بلوچی با بقیه است، تبرستانی و مازندرانی هم وقتی صحبت می کند بخاطر لهجه اش شما متوجه نمی شوید. ایران کشوری بوده که در زمان هخامنشیان و قبل از آن تشکیل شده است. از آن طرف سغد، فرغانه، تاجیکستان بگیرید بیاید تا شام و تمام اینها یک کشور پهناور بوده است. در آن زمان جاده رادیو تلویزیون اینترنت وسایل ارتباطی و کتاب و نوشته نبوده و معلوم است که این گونه تفاوت لهجه در اقوام پدید می آید. طبیعی است هر کدام نزدیک یک قوم باشند کمی از آن قوم تاثیر می گیرند. عرب ها ی خوزستان تحت تاثیر اعراب قرار گرفتند. مگر ما نمی دانیم تاریخ خوزستان را. شما هنوز در منطقه کوت عبدالله، قنواتی ها را می شناسید که عربی صحبت می کنند و لباس عربی هم می پوشند ولی عرب نیستند خودشان هم می دانند. بدلیل نزدیکی با مناطق عرب خیز اینها هم عرب زبان شده اند. اما عرب واقعی هم داریم که ستم بسیار به او کرده و فشارزبانی به او آوردند و او از طرف مناطق سنی نشین در آنسوی مرز به مناطق شیعه نشین درون خاک ایران آمده و در داخل کشور ما سکونت کرده است. داخل کشور ما، با ما هم میهن است فرهنگ ما را قبول کرده است، مذهبش با ما یکیست، آمده و در اینجا با ما در حال زندگی کردن است. ما ۷۵ میلیون ایرانی هستیم و اکنون که ۵ میلیون از ما را در کشورهای دیگر دنیا آواره کردند ۷۰ میلیون نفر در ایران داریم. اگر ما ۷۰ میلیون همه با هم متحد و یکپارچه باشیم چه کار می توانیم در این دنیا بکنیم؟ در مقابل آمریکای پیشرفته ی صنعتی ۳۰۰ میلیون نفری چه قدرتی داریم؟ در مقابل روسیه ۲۵۰ میلیون نفری و قدرتمند چه قدرتی داریم؟ در مقابل اتحادیه اروپای ۳۰۰ یا ۴۰۰ میلیونی چه قدرتی داریم؟ در مقابل

چین یک میلیارد دو دویست میلیون نفری چه؟؟ حال بیایم و از درون این ۷۰ میلیون نفر، ۷ یا ۸ یا ۱۰ کشور هم درآوریم و هر کدام هم چهار یا پنج میلیون جمعیت داشته باشد؛ یکی کویر لوت شود، یکی کشور کردستان بشود، یکی خوزستان بشود. یکی بشود منطقه دامداری یکی بشود کشاورزی یکی هم مانند خوزستان کمی نفت دارد وقتی هم تمام بشود معلوم نیست چه بر سرش خواهد آمد... خوب که چی؟ این در جهت منافع کیست؟ این تفرقه ها در جهت منافع کشورهای بزرگ است که به کشورهای مانند ما چشمداشت دارند.

یک جریانی هم در این دنیا وجود دارد که ما آنها نمی بینیم نمی گذارند ما آنها را ببینیم چون ملت ایران فیلش یاد هندوستان میکنند! ملت ایران یادش می افتد چه عظمتی داشته چه قدرتی داشته چه فرهنگی داشته چه وضع و چه شانی در دنیا داشته و حالا به کجا رسیده است؟ برای همین نمی گذارند مگر چین نیست مگر چین کشوری کمونیستی نیست؟ مگه چین سیستم استبدادی و غیره و غیره که می گویند ندارد؟ ولی ببینید این کشور پس از ۴۵۰ سال هنگ کنگ را پس گرفت! پس از ۲۵۴ سال ماکائورا پس گرفت! الان چین تا پیه ۵۰ ساله است که یک حکومت است و در سازمان ملل نماینده داشته، حق و تو داشته ولی کشور چین این را به رسمیت نمی شناسد می گوید این جزیی از میهن من هست و باید باشد. پس یک جریان هم در جهت وحدت و یکپارچگی وجود دارد و کشوری مثل چین به این جهت حرکت می کند. کشوری مثل آلمان در جنگ جهانی دوم شکست خورد تجزیه شد آلمان شرقی و غربی درست کردند. کمونیستی شد رژیم دیکتاتوری شد ولی بالاخره چون این ملت زنده بود در جهت تفاهم و یکپارچگی حرکت کرد و به جایی رسید که دو آلمان یکی شد. ویتنام کشوری کمونیست شد و یک قسمت از آن آمریکایی گردید بر سر آن نزاع در گرفت و ۵۰۰ هزار سرباز آمریکایی را به آنجا بردند ولی بالاخره دو ویتنام در جهت یکی شدن حرکت کردند. کره الان دو کره است کره شمالی و کره جنوبی هر دو عضو سامان ملل ولی می بینید حرکت هایی می کنند. رییس جمهور این کشور به آنجا میرود و مورد استقبال قرار می گیرد. آنان نیز به این کره آمده و مورد استقبال قرار می گیرند. این دو کشور در جهت وحدت حرکت می کنند مگر ملت ما را چه شده که برود در جهتی که به سود بیگانگان و تجزیه طلبان و قدرت های کوچک ایجادکن است؟ به سود آنان وارد عمل شود چرا در آن جهت گام برداریم؟

پان ایرانیست ها می گویند از آن دو جریان ما دومی را قبول داریم آن جریانی را قبول داریم که به سوی قدرت و عظمت حرکت کنیم. آن جهتی را قبول داریم که آلمان و فرانسه ی دشمن تاریخی همدیگر را با انگلیس در یک جا مانند اتحادیه اروپا در کنار هم قرار میدهد که یک قدرت ۴۰۰ میلیونی ایجاد کنند و بتوانند در مقابل بقیه قدرت های دنیا ایستادگی کنند. ما در آن جهت رفته و به آن سمت حرکت می کنیم. پان ایرانیست همین را می گویند. می گویند اگر نمی توانید تنها بجنگید از قدرت و نیروی خانواده و دوست و فامیلت استفاده کن و قدرتت را زیاد کن. اولین دوستان ما برادرهای ما هستند یعنی همین هایی که در ایران کنونی و در این چارچوب در حال زندگی هستند. عرب، ترکمن، بلوچ، کرد و غیره. حتما باید همه اینها دست در دست یکدیگر زندگی کنند و یک قدرت را بوجود بیاورند و پس از آن چه؟ قدرتمان با هم کم است و نمی توانیم در برابر روسیه و امریکا بایستیم؟ قدرت را اضافه می کنیم پسرعموهایمان را پیدا می کنیم. افغان پسرعموی من است برادر من است. کرد در آن سو در خاک ترکیه و عراق برادر من هم نژاد من هم فرهنگ من است. همهء پیوندهای او با من یکی است. بلوچ های پاکستان در آن سو همین حالت را دارند. تاجیکستانی نیز زبانشان پارسی است فرهنگش پارسی است فردوسی و رودکی را از من بیشتر میشناسد. این نیز در مرهله دوم است که ما پسرعموها و قوم و خویش هایمان را در تمام دنیا جمع می کنیم و یک قدرت بزرگ در این منطقه بوجود می آوریم. چرا ۱ میلیون ۶۰۰ هزار کیلومتر باید باشیم (پهنهء مرزهای کنونی ایران)؟ چرا به سمت آن پنج و شش برابر که از خاک

ایران جدا شده است نرویم؟ برویم وبه آن سمت حرکت کنیم ممکن است درعمر من و شما نیز نرسیم اما مطمئناً وقتی هدف معین شد می رسیم پس از ۴۵۰ سال چین به آن سمت می رود وبه آن می رسد. ویتنام پس از ۳۰ سال ۵۰ سال جنگیدن رسیده است. بنابراین ما هم میتوانیم برسیم.

ما پان ایرانیست ها در دنیای فعلی خطر را بیشتر احساس می کنیم تا کنون زمین های ما را تقسیم می کردند، اکنون آب دریای ما را نیز دارند می برند. از آن طرف جنوب ایران، دورترین نقطه ایران فعلی جزایر ابوموسا و تنب بزرگ و کوچک هستند. یک کشور ریز که معلوم نیست استعمار آنرا چگونه در سال ۱۹۷۱ یعنی ۳۵ سال پیش بوجود آورده است؛ ادعای آنان را می کند! پنج شیخ نشین دوبی و شارجه و ابوظبی و... را به هم دیگر چسباند و ملات آمریکایی و انگلیسی را درهم ریخته و فشرده و کشور امارات عربی متحده را درست کردند. در طول چند هزارسال تاریخ، این جزایر و تمام جزایر خلیج پارس متعلق به ایران و در زیر درفش ایران بوده اند. حال این حکومتی اصلن وجود نداشته است می گوید من ابوموسا را می خواهم چرا می خواهم برای اینکه اگر ابوموسا دست آنها بیافتد تا نصف بالای ساحل های ما و نیمی از آنها مال آنهاست. در آنجا نفت و گاز منابع طبیعی پیدا شده و دولت های دیگر می خواهند این منابع را ببرند. آمریکا صراحتاً اعلام میکند من در آمریکا منافع دارم! غلط می کنی که منافع خودت در دنیا را آورده و در خلیج پارس پیاده می کنی. اگر چهار نفر ایرانی خاین پیدا نشود که بگوید "ما ژاندارم خلیج پارس نیستیم"، (ایران که تمام سواحل شمالی خلیج پارس را دارد، تمام جزایر مال او بوده و سوابق تاریخی که در این جا وجود دارد نشان می دهد که این منطقه ایرانی نشین و مورد نفوذ ایران بوده)، معلوم است که آمریکا از آن طرف دنیا می آید و میگوید من ژاندارم هستم، در بحرین پایگاه می گذارم. والان هم قصد دارد در ابوموسا پایگاه بنا کند، ناو جنگی خود را هم به آنجا آورده و خود ما را هم مورد تهدید قرار می دهد. در این هنگام حکام ما نیز به جای آنکه با قدرت و درایت و تکیه بر نیروی من و شما، با جلب محبت و پشتیبانی من و شما، به جنگ با اینها برود؛ میگوید خب یک چیزی به روسها بدهم و آنها را راضی کنم. دریای مازندران را صرف نظر کنم! ما با روس ها قرارداد داریم، با اتحاد شوروی سابق قرارداد داریم که دو کشور ایران و اتحاد شوروی حق دارند به طور مساوی از دریای مازندران استفاده کنند. اتحاد شوروی مرد؟ خدایش بیامرزد. حالا وارثان می توانند مال او را تقسیم کنند. او مرده ما که نمرده ایم ما خدا را شکر زنده ایم ما که سلامت هستیم ما که در این دنیا در حال نفس کشیدن هستیم پس چرا ارث ما را تقسیم می کنند چرا بی عرضه ایم؟ چون می گوئیم که می خواهند برای ما نیروگاه هسته ای درست کنند. کی؟ روسیه؟ اگر روسیه راست می گوید در قراردادهای گذشته می تواند تجدید نظر کند. بیاید و در قرارداد ترکمانچای تجدید نظر کند، قرارداد گلستان را تجدید نظر کند، قرارداد آخال را تجدید نظر کند. تمام سرزمین های جدا شده ما را تجدید نظر کرده و دوباره پس دهند. چرا این قسمت که به نفع ایران است باید تجدید نظر شود؟ آنوقت حکومت ما هم تسلیم باشد؟ چهارتا کشور را دعوت کند که بیایید اینجا و بگوئید ترا به خدا این را به پنج تا بیست در صد تقسیم کنید و به ما هم بیست در صد بدهید؟ آن وقت من می گویم خیانت می کنید، مقدم علیه امنیت کشور هستید، هر کس اول این حرف را زد من باید او را به دادگاه ملی ببرم که محاکمه شود؟ آقای خاتمی که این حرف را زد من باید او را به دادگاه ملی ببرم اما دوستان می گویند سرور کرمانی تند می روی؟ منافع ملت ایران است کجا تند می روم؟ اگر برد چه حقی داشت کجا کدام مجلس تصویب کرد؟ کدام مردم در رفراندوم و همه پرسی شرکت کرده و قبول کردند؟ جدای از این در مورد خاک و تمامیت ارضی هیچ مرجعی نمی تواند ادعایی داشته باشد؛ قبول کردند که ۵۰ درصد را حاضریم ۲۰ درصد کنیم پس چرا رییس جمهور مملکت به جای ملت ایران حرف می زند چون نماینده ملت نیست، وقتی رییس جمهور بگوید ۲۰ درصد آنان به قدری پر رو شده اند که حرف از ۱۳ درصد می زنند و می گویند ساحل شما گودتر و خط ساحلی تان کمتر است ما

در این سو ساحل بیشتری داریم پس سهم شما ۱۱ درصد می شود!! از حالا بحث بین ۱۳ و ۱۱ درصد را دارند به هر حال این ها نشان ناشیاستگی حکومت وقت است چرا حکومت این کار را می کند؟ چون تکیه بر نیروی مردم ندارد ۳۰ سال است که به دلیل داشتن حکومت و قدرت پای آن ها بر گلوی حزب پان ایرانیست و احزاب دیگر است که نفس نکشند ، من هم ایرانی هستم من پان ایرانیست هستم و حاضر نیستم از ایران به هیچ جای دیگر بروم. بیاید هر کاری که می توانید با من بکنید.

ولی زور حکومت به روسیه نمی رسد که بگوید بر اساس قرار داد باید نیروگاه را در ۵ سال آماده کنید پول آن را هم گرفتید پس چرا نیروگاه آماده نشده است؟ بر اساس قرار داد باید زباله های هسته ای در اختیار ایران باشد ولی دو یا سه سال پیش بر اساس قراردادی دوباره این را هم روس ها از ما گرفتند چرا؟ چون این قسمت مهمترین قسمت است که می توان با آن کار هسته ای انجام داد و جمهوری اسلامی این را هم قبول کرد!! حالا ادعا می کند که قسط های شما (جمهوری اسلامی) عقب افتاده است کار شما را به انجام نمی رسانم. رژیم به هر طریقی که بوده قسط ها را آماده کرده و حالا ادعای تازه ای بیان شده است. **آقای پوتین در همین کنفرانس که مهمان ما بود، رییس جمهور به او احترام گذاشته و می پرسد آقای پوتین شما قول می دهید که نیروگاه هسته ای به زودی راه بیافتد ایشان در پاسخ می گوید: من فقط یک بار در کودکی به مادرم قول دادم. ببینید رییس جمهور یک کشور جلوی رییس جمهور ما و جلوی خبرنگاران و نمایندگان کشور های دیگر یک همچین بحثی را مطرح می کند و ما هم صدایمان در نمی آید. چرا؟ چون لیاقت حکومت را نداریم، اگر از حقوق ملی دفاع نکنیم، اگر به قول خشایار شاه سر نیزه ی سرباز پارسی دور تر نچنگد در درون خاک خودش به سینه اش فرو خواهد رفت. اگر شما به جنوب خلیج فارس نرفته و نگویی که کویت، بحرین و سواحل جنوبی از آن ملت ایران است آن وقت امارات دست درازی می کند و می گوید ابوموسی مال من است، اگر ابوموسی را بدهیم می گوید خوزستان عربستان است و از آن ماست اما یادش می رود که در این جا نیز شوش، ایذه، رامهرمز و ... تمدن داشته اند و فراموش می کند، آن قسمتی که مورد منفعت خودش هست را می گیرد. حکومت لیاقت ندارد که از حق ملت ایران دفاع کند؟ چرا چین ها حق دارند و ما حق نداشته باشیم. آن ها کمونیست، انتر ناسیونالیست و جهان وطنی هستند ولی می گویند مرگ برای ما مهم نیست و برای به دست آوردن خاک خود می جنگد و سرزمین خود را پس می گیرد اما حکومت می گوید ای پان ایرانیست ها مبدا تظاهراتی در برابر حق پنجاه درصدی ملت ایران در دریای مازنداران انجام دهید، ای داد و ببداد اگر در هر کجای دنیا بودیم به ما جایزه می دادند که ای پان ایرانیست بیا و با تجزیه طلبی در هر جای ایران به مبارزه برخیز. به راستی ما باید در این مکان کوچک دور یکدیگر جمع شویم چرا من در دانشگاه جندی شاپور نمی توانم سخن رانی کنم، چرا نمی گذارند با برادر عرب زبانم در دانشگاه و در یک محیط گسترده تر گفتگو کنم، چرا چندین مجوز به روزنامه های با زبان عربی می دهید ولی نمی گذارید یک روزنامه فارسی میهن پرست دارای مبانی پان ایرانیستی منتشر شود، خوب نتیجه این می شود که جوانان این مرز و بوم گمراه شده و دست به حرکاتی می زنند و سپس آن ها را می گیرد و اعدام می کنید و فکر می کنید که با اعدام این جوان عرب زبان جلوی همه توطئه ها را گرفته اید آخر کشتن آن جوان نا آگاه چه نتیجه ای برای کشور دارد. پدر کشته را که بُود آشتی، با این کار مگر می توانی با فرزندانش زندگی کرده و کنار بیایی. راهی جز راه پان ایرانیست وجود ندارد، راهی که پان ایرانیست ها می روند راهی است به سوی وحدت، یگانگی و نیرومندی همه ایرانیان با هر نوع مذهب، لهجه و خصوصیت قومی... چرا اتحادیه اروپا حق دارد اما ملت ایران حق بر پایی اتحادیه کشورهای ایرانی تبار را ندارد. چرا من هنگامی که می خواهم به کشور بردار خود افغانستان بروم نمی گذارند، چرا به افغانی که برادر من است در ایران اجازه تحصیل نمی دهند، اگر به ۵ میلیون ایرانی که در خارج از کشور هستند**

اجازه تحصیل ندادند شما چه غلطی می کنید.افغان با من هم وطن و همزبان و هم فرهنگ است جزیی از خانواده ی من است اما اکنون از من جدا افتاده و خانه اش ویران شده است ولی به هر روی برادری آن هنوز پا بر جاست. این سیاست ها ضد ملی ما را به کجا خواهد برد. نمی فهمید می دانم، اما وقتی ما می گوئیم، گوش کنید و اجازه بدهید سخنان را بگوئیم. حق حرف زدن را به من بدهید (تشویق باشندگان) من از سال ۱۳۲۹ تا کنون در این ۵۷ سال در این خط بوده ام و امیدوارم اگر عمری باقی بود باز هم در این مسیر به مبارزه ادامه خواهم داد و به همه نیز گفته ام مهندس کرمانی ها پان ایرانیست بوده اند، هستند و خواهند بود چرا که پان ایرانیست هست تا تاریخ است تا ایرانزمین هست. اگر قرار است کسی عوض شود ما نیستم آنانی هستند که با پان ایرانیست می ستیزند و آخر نیز در این ستیز ما پیروز خواهیم شد و آنان را عوض خواهیم کرد چه بیگانه باشد چه حاکمیت های فرقه ای. پاینده ایران

پایان

به امید ایرانی آباد و آزاد در سایه حاکمیت ملی

پاینده ایران

مزدک

<http://paniran.blogfa.com>